

بررسی وجهیت فعل در شعر فروغ فرخزاد با تأمل بر وجه التزامی

زری خدائی^۱

دکتر مهی تلخایی^{۲*}

دکتر تورج عقدایی^۳

دکتر حیدر حسنلو^۴

دکتر حسین آریان^۵

چکیده

موضوع مقاله حاضر، بررسی وجهیت فعل در شعر فروغ فرخزاد با تأمل بر وجه التزامی است. از آنجایی که بر اساس نظریه‌های مختلف، وجه افعال، از جایگاه‌های بنیادین بازتاب دیدگاه نویسنده است؛ از این رو، از این ابزار، می‌توان برای بررسی درونیات و افکار مؤلف سود جست. هدف این مقاله، بررسی وجهیت فعل در راستای تبیین نگرش فروغ و کالبدشکافی ژرفای ذهن و روح اوست، تا به این سؤال اساسی پاسخ دهد که بازتاب افکار و اندیشه‌های فروغ فرخزاد در وجه فعل چگونه است و آیا می‌توان سمت‌وسوی حس و شناخت فروغ را در میان وجوه افعال شعرش بازکاویید؟ اهمیت تحقیق در این است که با بررسی و تحلیل وجهیت فعل، به سبک و شناخت و حس فروغ می‌توان دست‌یافت. این مقاله ضمن تحلیل نظریه‌های گوناگون در مورد وجه فعل، به بررسی وجه افعال در مجموعه‌ی «تولد دیگر» پرداخته و با ذکر شاهد مثال‌هایی به این نتیجه می‌رسد که فروغ در اکثر مواقع از وجه التزامی برای بیان افکار، احساسات نوستالژیک، گریز به روزگار کودکی، بیان حسرت‌ها، آرزوها و شکست‌ها، بهره جسته است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده که پس از جمع‌آوری شواهد شعری به بررسی و تحلیل آن‌ها پرداخته است.

واژگان کلیدی: تولدی دیگر، سبک، فروغ فرخزاد، وجهیت فعل، وجه التزامی.

۱. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

Email: zkhkh2276@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده مسئول)

Email: mehri.talkhabi@gmail.com

۳. دانشیار گروه زبان ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

Email: Dr.aghdaie@gmail.com

۴. استادیار گروه زبان ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

Email: nastuh49@yahoo.com

۵. استادیار گروه زبان ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

Email: Arian.amir20@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

مقدمه

سبک و نوع ادبی هر متن به عوامل مختلفی بستگی دارد و از زوایای گوناگونی قابل بررسی تجزیه و تحلیل است. هر نویسنده‌ای با توجه به جامعه، فرهنگ و محیطی که در آن قرار دارد دارای عقاید، اندیشه‌ها و خواست‌هایی است که برای بیان آن (تبدیل اندیشه و ذهنیات به گفتار به وسیله‌ی زبان) شیوه‌ی خاصی را برمی‌گزیند که در ادبیات شامل سبک و نوع ادبی می‌شود. هر ژانر و نوع ادبی نیز قالب و سبک خاصی را می‌پذیرد. بنابراین، هر خالق اثر ادبی با توجه به آموخته‌های زبانی و قواعد دستوری جامعه و فرهنگی که در آن پرورش یافته است، از واژگان و زبان خاصی که به بهترین شکل ترجمان افکار و اندیشه‌هایش باشد، بهره می‌جوید و شاید نتوان متنی ادبی یافت که هیچ تفکر و اندیشه‌ای پشت آن نباشد و مؤلف بدون هیچ ایدئولوژی آن را پدید آورده باشد. قطعاً هیچ متنی بی‌تأثیر از اندیشه‌ها و افکار خالق آن نیست و هر فردی برای بیان اندیشه و ذهنیات خود در خصوص تمامی امور شیوه‌ی کلامی خاصی را برای القای بهتر ادراک خود به مخاطب برمی‌گزیند که همین نوع انتقال پیام، سبک او را می‌سازد. شیوه‌ی بیان کلام و نوع کلمات نیز به طور نامحسوس و با پیوندی نامرئی، نشان‌دهنده و گویای نظرات، اندیشه‌ها و پایبندی نویسنده نسبت به آن چیزی است که می‌گوید. به بیان دیگر، گوینده برای بیان افکار و عقایدش از دو طریق صریح و غیرصریح (رشته نامرئی) بهره می‌گیرد. یعنی برخی مفاهیم و مضامین در معانی ثانوی و لایه‌ی پنهان واژگان و نحو کلام نهفته است. نوع نحو جملات و زبان شاعر یک عامل برقراری ارتباط و تعامل ذهنی و عاطفی بین نویسنده و خواننده است. یکی از شگردهای ادبی نحوی - خواه خودآگاه یا ناخودآگاه - بهره‌جویی از افعال وجهی و معانی ضمنی در بردارنده‌ی آن‌هاست. به عبارت دیگر، وجهیت منبع پنهان دیدگاه‌های ناگفته و غیرصریح نویسنده است.

هدف این مقاله بررسی وجهیت فعل در راستای تبیین نگرش و دیدگاه فروغ، اندیشه‌ها و واکاوی ژرفای ذهن و روح او از طریق بررسی وجوه افعال است، تا به این سؤال اساسی پاسخ دهد که بازتاب افکار و اندیشه‌های فروغ فرخزاد در نحو کلام (با تأمل بر وجه التزامی افعال)

چگونه است و آیا می‌توان اندیشه‌ی فروغ را در میان وجوه افعال شعرش دریافت کرد؟ اهمیت این تحقیق در این است که با بررسی و تحلیل مؤلفه‌های وجهیت فعل، از یک سو به نوع و سبک سخن و شعر فرخزاد و از دیگر سو به سبک زندگی و نوع احساسات او می‌توان دست یافته و به درک بهتر، واقعی‌تر و عمیق‌تری هم از شعر و هم شخصیت او رسید.

پیشینه‌ی پژوهش

در خصوص وجهیت فعل در شعر یا متون نثر، تحقیقات بسیاری انجام شده، که هر کدام از جهت شناخت نظرگاه و اندیشه‌ی نویسنده حائز ارزش و اهمیت است. همچنین در کتب دستور زبان فارسی، از منظر دستوری به وجه فعل پرداخته شده است از جمله: ناتل خانلری (۱۳۵۲)، قریب و همکاران (۱۳۶۳)، دایی‌جواد (۱۳۵۴)، طالقانی (۱۳۴۶)، فیروزمنش و همکاران (۱۳۶۴)، دبیرسیاقتی (۱۳۴۵)، انوری و احمدی‌گیوی (۱۳۶۷)، فرشیدورد (۱۳۸۸)، شریعت (۱۳۶۷)، خیام‌پور (۱۳۷۲) و... به بررسی وجه فعل از منظر قواعد دستوری پرداخته‌اند. رحیمیان و جاوید در کتاب وجهیت و افعال وجهی در زبان فارسی (۱۳۹۶)، در قالب نظریه‌ی پالمر، به بررسی و تحلیل وجه، وجهیت و افعال وجهی فارسی پرداخته‌اند. این کتاب در نه فصل نگاشته شده است. در کتاب «سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها» (۱۳۹۰) فتوحی در بخشی کوتاه؛ با بررسی مقوله‌ی وجهیت، به طور خاص و البته کلی و مجمل بازتاب دیدگاه نویسنده در نحو را مورد مذاقه قرار داده است.

اما مقالات متعددی نیز در راستای انعکاس اندیشه‌ی شاعر در نحو کلام وجود دارد که به اختصار به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: میرزائی در مقاله‌ی «رابطه‌ی قطبیت و وجهیت‌بندی در زبان فارسی» (۱۴۰۰)، می‌گوید: قطبیت، تقابل بین قطب مثبت و منفی و وجهیت، دیدگاه‌گینده در خصوص میزان صدق گزاره یا میزان احتمال وقوع خواسته یا پیشنهاد است. که بررسی‌ها حاکی از تغییر قطبیت جمله به علت تغییر وجهیت جمله می‌باشد که این تلفیق و هماهنگی بین قطبیت و وجهیت، امکان بیان جملات در مفاهیم و معانی متفاوت را ایجاد می‌کند. متولیان نائینی در مقاله‌ی «بازنمایی نحوی افعال وجهی «بایستن» و «شدن» در زبان فارسی» (۱۳۹۵)، با استفاده از

نشانه و الگوهای معنایی و نحوی، نتیجه می‌گیرد افعال وجهی اصلی در زبان فارسی چه معرفتی باشند چه غیر معرفتی و چه مشارک درونی باشند چه مشارک برونی، همگی گزاره‌ای بوده و ساختار ارتقایی را تشکیل می‌دهند. ایلخانی و کریمی دوستان در مقاله‌ی «واژگانی‌شدگی ابعاد معنایی وجهیت در صفات وجهی فارسی» (۱۳۹۵)، صفات وجهی فارسی را از سه جهت: معنای نیروی وجه، پایه‌ی وجه و منبع وجه بررسی کرده و بیان می‌کنند که صفات وجهی فارسی در سطوح؛ وجه التزامی (به‌عنوان نمونه در صفت «قطعی»)، امکان (برای نمونه در صفت «ممکن») و امکان قوی (برای مثال در صفت «احتمالی») واژگانی شده‌اند. ولی هیچ‌یک از منابع تکلیفی، اعتقادی، ترتیب کلیشه‌ای، هدفمند، گزارشی و درخواستی، در صفات وجهی فارسی واژگانی نشده‌اند و بافت تعیین‌کننده‌ی آن‌هاست. رحیمیان و عموزاده در مقاله‌ی «افعال وجهی در زبان فارسی و بیان وجهیت» (۱۳۹۲)، افعال وجهی و کارکردهای آن‌ها را از زوایای مختلف و نظریه‌های متفاوت مورد بررسی و تحلیل قرار داده و بیان می‌کنند طبق نظر پالمر (۱۹۹۰)، افعال وجهی فارسی از دو جهت «درجه» و «نوع» قابل توصیف و تحلیل‌اند. و سپس به بررسی ابعاد وجهی افعال «باید»، «شدن» و «توانستن» در فارسی پرداخته‌اند. در مقاله‌ی «بررسی مفاهیم وجهی زمان دستوری در زبان فارسی» (۱۳۹۱) عموزاده و رضایی، با بررسی دو فیلم‌نامه، نقش زمان دستوری در انتقال مفاهیم وجهی بیان می‌شود. آفاگل‌زاده و عباسی «بررسی وجه فعل در زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی فضاها‌ی ذهنی» (۱۳۹۱)، ضمن بررسی کارکرد وجه فعل با توجه به این نظریه، بیان می‌کنند که گوینده‌ی فارسی زبان سه فضای ذهنی اخباری، التزامی، محتمل و غیرمحتمل در ذهن دارد که در این فضاها، وجه فعل به طور ویژه سامان می‌یابد. کریمی دوستان و ایلخانی پور در مقاله‌ی «نظام وجهیت در زبان فارسی» (۱۳۹۱)، با بررسی وجهیت به‌عنوان پدیده‌ای زبانی در سه سطح؛ جمله‌ای، زیر جمله‌ای و گفتمانی، و با توجه به تحقیقات و نظریات قبلی در مورد نظام وجهیت زبان فارسی، ضمن بیان اسامی و صفات وجهی، خصوصیات واژگانی و معنایی صفات وجهی فارسی و همچنین برخی از محدودیت‌های موجود در متمم‌های اسمی این صفات را به اجمال شرح نموده است. در مقاله‌ی «مفهوم ذهنیت در افعال وجهی در زبان فارسی» (۱۳۹۰)

نقی زاده و همکاران، علاوه بر بررسی وجهیت و انواع آن، به تحلیل زمان و انواع آن در کتب دستور زبان تنها از نظر صرفی پرداخته و به ارتباط ساختار معنایی آن با تلقی نویسنده توجه نکرده‌اند. در مقاله‌ی «ابعاد معناشناختی» باید «در زبان فارسی» (۱۳۸۹) عموزاده و رضایی، با یادآوری اجمالی برخی از مطالعات در این مورد و ارائه مفاهیم بنیادی قلمرو وجهیت، یک ساختار معنایی سه قسمتی برای جملات دارای «باید» ذکر کرده‌اند. در واقع این مقاله ساختار زیربنایی تمامی انواع کاربردهای وجهی است. رحیمیان در مقاله‌ی «وجه فعل در فارسی امروز» (۱۳۷۸)، ضمن ارائه تعاریف وجهیت و وجه فعل به پیروی از زبان‌شناسان غربی مثل هادلستون (۱۹۹۳) تقسیم‌بندی جدید و متمایزی از وجهیت ارائه داده و آن را به وجهیت گوینده محور یا معرفتی و وجهیت کنشگر محور یا ریشه‌ای طبقه‌بندی کرده و هرکدام را به زیرمجموعه‌هایی بخش‌بندی نموده و توضیحات و تعاریف هر بخش را بیان می‌دارد. با توجه به موارد ذکر شده، و مطالعه‌ی سایر منابع دستوری و زبان‌شناسی در مورد وجهیت و وجه فعل، که در این مجال اندک ذکر نام تک‌تک آن‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد، قابل توجه است که هیچ‌یک از این پژوهش‌ها در مورد فروغ فرخزاد و شعرش انجام نشده، یعنی در هیچ‌یک از این مقالات و کتب به بررسی وجهیت و وجه فعل در شعر فروغ نپرداخته‌اند و اهمیت و ضرورت این تحقیق از همین جا ناشی می‌شود که به طور مستقل و ویژه، وجه فعل (وجه التزامی) در اشعار فروغ را مورد بررسی قرار داده و به تحلیل دیدگاه و اندیشه‌های فرخزاد در نحو کلامش می‌پردازد.

روش تحقیق

روش انجام این پژوهش، تحلیلی توصیفی است، که با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای به سرانجام رسیده است. نخست منابعی که در حوزه‌ی مطالعات زبان‌شناسی، وجهیت و فروغ‌شناسی وجود دارد مورد مطالعه قرار گرفته است و پس از استخراج یادداشت‌های مرتبط شده با مطالعه‌ی دقیق آثار فروغ، شواهد شعری فیش‌برداری و سپس همه‌ی نمونه‌ها در بافت تحلیلی افکار و اندیشه‌های فروغ بررسی گردید.

مبانی نظری

وجهیت در لغت یعنی؛ ۱. جانب، سمت، سو، طرف، کرانه ۲. بابت، جنبه، حیث ۳. انگیزه، دلیل، سبب، علت. (فرهنگ دهخدا و معین ذیل واژه وجه و وجهیت) و وجهیت^۱ یا وجه‌نمایی از مفاهیم زبان‌شناسی است که از دیرباز تاکنون مورد توجه زبان‌شناسان و دستورنویسان بوده. وجهیت در معنای وسیع آن یکی از ابزارهای ابراز دیدگاه گوینده نسبت به گزاره‌ای است که مطرح می‌کند. و نیز میزان پایبندی و تقید گوینده را نسبت به درستی و نادرستی کلامش یا درخواست او برای انجام عمل مطروحه در پاره گفتار را شرح می‌دهد. وجهیت در این تعریف، قلمرو گسترده‌ای از نمود و زمان دستوری و نیز وجه فلسفی را نیز شامل می‌شود. زبان‌شناسان بیش‌تر این مقوله را با مفاهیم سه گانه‌ی نمود، زمان و وجه بیان می‌کنند. امروزه مسئله وجهیت نه تنها در زبان‌شناسی، دستور زبان و فلسفه، بلکه از نظر معناشناسی نیز در این حیطه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در قلمرو معناشناسی واژه وجهیت معادل چگونگی وضعیت موارد می‌باشد و به دلیل تنوع قلمرو معنایی و کارکردی می‌توان آن را از مباحث علمی میان‌رشته‌ای یا میان حوزه‌ای قلمداد کرده و از جنبه‌های مختلف تحقیق و تفحص نمود. تألیفات و مقالات متعددی نیز در این زمینه نگاشته شده است. به‌ویژه کسانی چون یسپرسن^۲ (۱۹۲۴)، لاینز^۳ (۱۹۷۷)، پالمر^۴ (۱۹۸۶)، فاولر^۵ (۱۹۸۶)، تولان^۶ (۱۹۸۸)، سیمپسون^۷ (۱۹۹۳)، ژیان لی^۸ (۱۹۹۹)، لامپرت^۹ (۲۰۰۰)، نیوتز^{۱۰} (۲۰۰۲)، بایبی^{۱۱} (۲۰۰۳)، فینتل^{۱۲} (۲۰۰۶)، و ... که به بیان مختصری از این نظرات می‌پردازیم. بنا به اعتقاد کوئرک^{۱۳} وجهیت قضاوت گوینده در مورد اعتبار و صحت گزاره‌ها است. (کوئرک ۱۹۸۵:

1. modality
2. Jespersen
3. Lyons
4. Palmer
5. Fowler
5. Toolan
6. Simpson
7. Li
8. Lampert
9. Nuyts
10. Bybee
11. Fintel
1. Quirk

۲۱۹). لاینزهم وجهیت را نگرش و عقاید مردم در مورد گزاره‌ها می‌داند. وی هم‌چنین به بررسی و توضیح ادات توصیف شده با این گزاره‌ها می‌پردازد. (لاینز، ۱۹۷۷: ۵۴۱) و یا ژیان لی وجهیت را درجه‌هایی میان درست و نادرست در نظر گزاره می‌داند. (لی، ۱۹۹۹: ۲۱). به عبارت دیگر این مفهوم را می‌توان دریافت که وجهیت تبیین‌گر میزان اعتقاد گوینده به موضوعی است درباره‌ی آن صحبت می‌کند. یعنی تا چه حد به درستی و نادرستی آن معتقد است. که به طور ضمنی و معنای ثانوی کلام و واژگانش نهفته است. همان‌طور که راجرفاولر «وجهیت را گرامر تعبیر پنهان دانسته؛ به این معنی که ابزاری است که مردم با آن درجه‌ی تعهد، التزام و سرسپردگی خود را نسبت به حقیقت گزاره‌هایی که می‌گویند، بیان می‌کنند. وجهیت به نگرش آن‌ها درباره‌ی تمنا و آرزوی یک حالت از امور اشاره دارد.» (فاولر، ۱۹۸۶: ۱۳۱) تولان می‌گوید: درکل وجهیت مربوط به امکانات زبانی موجود برای توصیف و توجیه ادعا، عقیده یا تعهدی که فرد با زبان خلق می‌کند. (تولان، ۱۹۸۸: ۴۶) به عبارت دیگر یعنی آموخته‌های زبانی و قواعد دستوری و پتانسیل نهفته در واژگان این امکان را به گوینده می‌دهد تا با استفاده از آن‌ها و سایر شگردهای ادبی، به بهترین شیوه برای بیان ذهنیات و عقایدش بهره بگیرد. شاید این‌طور باید گفت که وجهیت در واقع به ژرف ساخت کلمه و نحو کلام مربوط می‌شود. در این میان، پالم‌ریکی از محققان مطرح است که به طور تخصصی به بررسی وجهیت و وجه فعل پرداخته است، او بیان می‌کند: وجهیت نشان‌گر دیدگاه و نگرش نویسنده یا گوینده در مورد موضوعی است که بیان می‌کند. یعنی همان نگرش مؤلف نسبت به توفیق انجام عمل. به نظر او وجهیت دستوری‌شدگی نگرش‌ها، اعتقادات درونی و اندیشه‌های نویسنده یا گوینده است. او وجه را به دو نوع: وجه معرفتی و وجه درخواستی تقسیم‌بندی کرده است. (پالم‌ریکی، ۱۹۸۶: ۱۶) میرزایی در مقاله‌ی «رابطه‌ی قطبیت و وجهیت» ریزتر به تقسیم‌بندی پالم‌ریکی اشاره می‌کند و می‌گوید: «وجهیت از نظر پالم‌ریکی به چهار نوع تقسیم می‌شود؛ وجهیت برداشتی و گواه‌نمایی که زیرمجموعه‌ی وجهیت گزاره‌ای یا همان گوینده محورانده، و وجهیت پویا و درخواستی که زیرمجموعه‌ی وجهیت رویدادی یا همان ریشه‌ای می‌باشند»

(میرزائی، ۱۴۰۰) چنین حاصل می‌شود که پالمر نیز همچون لاینز وجهیت را محل ظهور نگرش و دیدگاه گوینده می‌داند. که در یک جمع‌بندی کلی به نظر می‌رسد اکثر اندیشمندان در قبول نظریه‌ی اخیر که (وجهیت دیدگاه گوینده است نسبت به موضوع) به اجماع رسیده‌اند. به عبارت دیگر وجهیت یک امر معنایی است تا دستوری که حاوی دیدگاه و عقاید متکلم است در مورد گزاره‌ها و محتوای جمله‌ای که بیان می‌دارد. البته شایان ذکر است اختلاف‌نظرها در تقسیم‌بندی انواع وجهیت بسیار زیاد است اما آنچه مورد توجه بیشتر محققان و مبنای تحقیقات بوده یکی مطابق با نظریه پالمر می‌باشد. «الف؛ وجهیت گزاره‌ای: ۱. معرفتی: (حدسی، قیاسی، فرضی) ۲. شهودی: (گزارشی، حسّی). ب؛ وجهیت رویدادی: ۱. تکلیفی: (اجازه‌ای، اجباری، تعهدی) ۲. پویا: (توانمندی، ارادی)» (ایلخانی و کریمی دوستان، ۱۳۹۵) و دیگری تقسیم‌بندی سویتزر (۱۹۸۲) می‌باشد؛ ۱. معرفتی ۲. ریشه‌ای (نقی‌زاده و توانگر و عموزاده، ۱۳۹۰).

و اما محققان داخلی حوزه زبان‌شناسی و دستور نیز، در کتب خود مبحثی کوتاه را به وجهیت و وجه فعل اختصاص داده و مطالبی را پیرامون آن نگاشته و تقسیم‌بندی‌هایی نیز از دیدگاه دستورنویسان و زبان‌شناسان صورت گرفته است. البته نکته‌ی قابل ملاحظه این است که در پژوهش‌های زبان فارسی، اکثر پژوهش‌گران با رویکردی دستوری وجهیت را مورد بررسی قرار داده‌اند. یعنی بیشتر تحقیقات متوجه بررسی و تحلیل وجه به‌عنوان مقوله‌ای دستوری که در فعل یا گروه فعلی نمود پیدا می‌کند، بوده است، و کسی به طور اختصاصی و مفصل به مطالعه‌ی وجهیت به مثابه‌ی یک عنصر معنایی نپرداخته است. که به طور خلاصه به بیان نظریات و برخی تعاریف خواهیم پرداخت.

بحث وجهیت از منظر برخی محققان این حوزه، مربوط به زبان و زبان‌شناسی و از دیدگاه عده-ای نیز یک مقوله‌ی معنایی، و به عقیده‌ی برخی نحوی می‌باشد. حتی در عرصه‌ی فلسفه نیز از وجهیت سخن رفته است و مبحثی مهم در آن می‌باشد. اما به عقیده‌ی پالمر «به تبعیت از اسپرن، وجهیت یکی از ویژگی‌های معنایی - دستوری است.» (رحیمیان و عموزاده، ۱۳۹۲) یا در یک نظر دیگر «در بررسی نظام‌مند، وجهیت را پدیده‌ای زبانی می‌انگاریم که می‌تواند در سطح جمله، در

سطح سازه‌های کوچک‌تر از جمله یا در سطح گفتمان بیان شود.» (ایلخانی و کریمی دوستان، ۱۳۹۱) یارمحمدی عقیده دارد: «وجهیت یعنی نگرش نویسنده یا گوینده نسبت به توفیق انجام عمل» (یارمحمدی، ۱۳۷۲: ۲۶۷-۲۶۶). او با بررسی نظر هالیدی ۱ در مورد وجهیت که آن را نوعی عامل ارتباطی و عملکرد تعاملی ۲ زبان می‌داند. وجهیت را تعامل بین زبان و نوع نگرش بیان می‌کند. البته فتوحی در کتاب سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، کمی ویژه‌تر به این مسئله پرداخته است: «وجهیت عبارت است از میزان قاطعیت گوینده در بیان یک گزاره که به طور ضمنی به وسیله‌ی عناصر دستوری نشان داده می‌شود و بیان‌کننده‌ی منظور (کنش غیر زبانی) یا قصد کلی یک گوینده یا درجه‌ی پای‌بندی او به واقعیت یک گزاره یا باورپذیری، اجبار و اشتیاق نسبت به آن است. وجه، مقوله‌ای است نحوی - معنایی که نظر گوینده را در جمله نسبت به موضوع سخنی که بیان می‌کند، نشان می‌دهد. وجه در ساختمان بند از آن جهت اهمیت دارد که حاکی از جهت‌گیری خاص نویسنده است نسبت به آنچه می‌گوید. در واقع، وجهیت عموماً اشاره دارد به تلقی گوینده از چیزی یا عقیده‌ی وی درباره‌ی میزان درستی مفهوم یک جمله.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۵) از دیگر کسانی که به طور خاص مقوله‌ی وجهیت را مورد بررسی قرار داده جلال رحیمیان است که رویکردی متفاوت به این امر داشته است. او بین وجه به مثابی معنا و وجه به‌عنوان مقوله‌ای صورتی تمایز قائل شده و می‌گوید: وجه از نظر معنا اصولاً به نگرش گوینده به وقوع یک واقعه اطلاق می‌شود. اما وجه از نظر صورت به دو دسته کلی اخباری و غیراخباری تقسیم می‌شود. وجه اخباری دارای فقط یک عضو و وجه غیراخباری دو عضو؛ التزامی و امری است. (رحیمیان، ۱۳۷۸) به تعبیر او وجهیت فعل در صورت غیراخباری بودن با نوعی قید و شرط انجام یا عدم انجام فعل همراه است و سپس وجه معنایی پیدا می‌کند که آن‌ها را «وابستگی» می‌نامد.

به گفته‌ی مشکوه‌الدینی با تکیه بر نظر دستورنویسان، «عنصر وجه به قطعی بودن، غیر قطعی بودن و یا امری بودن مفهوم جمله از نظر گوینده اشاره می‌کند.» (مشکوه‌الدینی، ۱۳۶۶: ۶۱). از نظر فرشیدورد «وجه فعل صورت یا جنبه‌هایی از آن است که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو، تمنی، تأکید،

1. Halliday
2. Interactional function

امید و برخی امور دیگر دلالت می‌کند» (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۳۸۰). خیام‌پور هم عقیده دارد «جنبه یا وجه فعل عبارت است از دلالت او بر وقوع یا لاوقوع عمل به شکل اخبار یا احتمال یا امر» (خیام‌پور، ۱۳۷۲: ۸۵). شفائی در تعریف وجهیت بیشتر متوجه وجه فعل است و می‌نویسد: «وجه عبارت است از مناسبات گوینده یا نویسنده نسبت به طرز اجرای عملی که توسط فعل بیان می‌شود. هرگاه این مناسبات با وسایل گرامری بیان شود، زمره گرامری وجه به وجود می‌آید.» (شفائی، ۱۳۶۳: ۸۹).

در یک بررسی اجمالی به نظر می‌رسد اکثر دستورنویسان در تقسیم‌بندی وجه فعل در این سه دسته: اخباری، التزامی و امری اشتراک عقیده دارند. و تقسیمات متفاوت و کم و زیادی هم که در دستورها می‌بینیم، ناشی از هم‌پوشانی معنایی و گسترده‌گی حوزه‌ی معنایی وجهیت است. به‌عنوان مثال شریعت قائل به وجود سه وجه فعل است: «وجه دلالت فعل است بر وقوع یا عدم وقوع عمل به شکل اخبار، احتمال یا امر.» (شریعت، ۱۳۸۴: ۲۳۲) خانلری در بحث وجوه فعل می‌نویسد: «وجه شیوه‌ای از استعمال فعل است که گوینده به وسیله‌ی آن موقعیت خود را نسبت به جریان فعل بیان می‌دارد.» (خانلری، ۱۳۶۶: ۱۹۹) وی به وجود چهار نوع وجه فعل قائل می‌باشد: «اخباری، التزامی، امری و شرطی. وجه اخباری عمل فعل برای دادن خبر است در صیغه‌های مختلف صرف فعل فارسی، وجه التزامی برای بیان عدم قطعیت وقوع فعل؛ یعنی شیوه‌ای از بیان فعل که گوینده از طریق آن مفاهیمی چون اختیار، پیش‌بینی، فرض، تردید، قصد، شرط، منع، یا موافقت خود را بیان می‌دارد.» (همان: ۲۹) از آنجایی که این وجه همیشه همراه (ملازم) و وابسته به فعل دیگری است التزامی نامیده می‌شود. «وجه امری برای دادن فرمان و دستور و وجه شرطی که وقوع فعل را مشروط می‌کند به داشتن شرایطی یا وقوع فعلی دیگر.» (همان: ۲۹) در تقسیم‌بندی که باطنی انجام داده از چهار نوع وجه فعل نام می‌برد: اخباری، التزامی، امری، و غیرشخصی. (باطنی، ۱۳۶۴: ۶۵)

پیش‌تر گفتیم که جلال رحیمیان طی نگارش چند مقاله و کتاب به بحث وجهیت پرداخته است. او در مقاله‌ی وجه فعل در فارسی امروز، با بهره‌گیری و دنباله‌روی از قواعد و معیارهای زبانشناسی نوین می‌نویسد: «ما تمایزی آشکار بین وجه به‌عنوان مقوله‌ای معنایی و وجه به

منزله‌ی مقوله‌ای صوری قائلیم: ۱ - وجه از نظر معنا: از جهت معنایی، وجه اساساً به نگرش متکلم به وقوع یک رخداد اطلاق می‌شود. ۲ - وجه انظر صورت: با توجه به صورت، وجوه فعل فارسی را می‌توان به دودسته کلی اخباری و غیراخباری تقسیم نمود. فعل واژگانی خود ایستا که یا با پیشوند فعلی (می) همراه باشد و یا پیشوند فعلی (ب) را نپذیرد مسلماً دارای وجه اخباری است. بنابراین وجه این افعال همگی اخباری است: حسن به مدرسه می‌رود/ می‌رفت/ رفت. هرگاه فعل واژگانی خود ایستا با پیشوند فعلی (ب) همراه باشد یا بتواند بدون هیچ تغییری معنایی آن را بپذیرد در اصطلاح می‌گوییم که وجه آن فعل غیراخباری است: حسن باید خود را با این شرایط تطبیق بده/ بدهد.» (رحیمیان، ۱۳۷۸) او در یک تقسیم‌بندی متمایز از حوزه‌ی دستور زبان، انواع وجهیت غیراخباری را به؛ وجهیت معرفتی یا گوینده محور و وجهیت ریشه‌ای یا کنشگر محور دسته‌بندی می‌کند. در وجهیت گوینده محور امکان یا لزوم انجام فعل از طرف گوینده اعمال می‌شود و دربرگیرنده‌ی مفاهیمی چون امر، نهی، امکان، احتمال، اجازه، اخطار و تشویق است. لاینز در تعریف وجه معرفتی می‌گوید: «دیدگاه و میزان تعهد گوینده است نسبت به گزاره و محتوای متن طبق علم و آگاهی موجود.» (لاینز، ۱۹۷۷: ۷۹۳) البته با توجه به این تعاریف چنین برمی‌آید که وجه معرفتی فقط حامل نظر و اعتقاد گوینده نسبت به موضوعی است که مطرح می‌کند، چه بسا که واقعیت موجود در خصوص همان موضوع در خارج از متن و واقعیت موجود در دنیای خارج چیز دیگری باشد و حتی در تضاد با نظر گوینده باشد. پس آنچه در قلمرو وجه معرفتی مورد کشف و بررسی قرار می‌گیرد نظر و میزان تعهد گوینده است نسبت به گزاره‌ی مطروحه. اما «وجهیت کنشگر محور در ارتباط با مفاهیمی چون خواست و توانایی، آرزو و تمنا، اجبار و ضرورت می‌باشد.» (بای‌بی و پرکینز و پاگلیوکا، ۱۹۹۴: ۱۷۷) که معمولاً تحت تأثیر شرایط و نیرویی خارج از موضوع یا گزاره‌ی موجود در متن در خصوص اهمیت و ضرورت انجام فعل، قرار دارد. به عبارت دیگر وقوع فعل و یا میزان انجام عمل بستگی به وضعیت موجود در خارج جمله دارد.

وجهیت در فارسی

از آنچه تاکنون با مطالعه‌ی نظریات زبان‌شناسان و دست‌نویسان برمی‌آید، می‌توان گفت وجهیت در کلام یکی از راه‌های تأیید و صحه گذاشتن بر گزاره‌ای است که در آن بیان می‌شود. یعنی نویسنده یا گوینده به طور نامحسوس با استفاده از وجهیت سخن، مهر تأیید می‌زند بر آنچه در سخن خویش بیان نموده است. «سخن مؤلف از اندوخته درونی شده گفتار و از نظام زبانی درونی شده‌ی وی برمی‌خیزد. موضع‌گیری ذهنی و عاطفی گوینده در سطوح مختلف سبک و کلام همانند نظام آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی نمود پیدا می‌کند و تصور یک سطح صفر تهی از ذهنیت و ایدئولوژی در هر متنی اگر ناممکن نباشد، حداقل دشوار است. رولان بارت ایدئولوژی را یک نظام معنایی ثانویه می‌داند که معنای ضمنی را به معنای اولیه یا معنای صریح می‌افزاید» (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۸۵). پس اندیشه از طریق زبان نمود بیرونی پیدا می‌کند، و در هر زبانی ظرفیت‌های آشکار و پنهانی وجود دارد برای القای بهتر معانی و افکار، به بیان دیگر یک متن ادبی تلاش برای بیان اندیشه و یافته‌های درونی مؤلف است و پل ارتباطی انتقال ایدئولوژی و معنا از گوینده به مخاطب است. «هر اثر ادبی، تم، پیام یا مضمونی دارد و به اعتبار همان مضمون است که لایه معنایی متن ارزش ادبی پیدا می‌کند.» (حق‌شناس، ۱۳۸۲: ۱۶۸).

«ذهنیت گوینده در متن به دو صورت صریح و ضمنی بازتاب می‌یابد: متن‌هایی که در آن نگرش گوینده با صراحت و شفافیت منعکس می‌شود، از نوع متن‌های گفتمانی‌اند. و متن‌هایی که ذهنیت و تلقی گوینده در آن‌ها پوشیده، پنهان است در شمار معانی ضمنی است که در این متن‌ها، گوینده مفاهیم و ارزش‌های ایدئولوژیک را به یاری شگردهای بیان ضمنی با صناعات ادبی و ابهام‌های هنری پوشیده می‌دارد.» (فروزنده و بنی طالبی، ۱۳۹۳).

بنابراین با توجه به نظریات و تعاریف یادشده، می‌توان گفت: وجهیت در کلام نشان‌گر دیدگاه و تلقی گوینده در مورد درستی، نادرستی و حقیقت امور است که این طرز بیان تعیین‌کننده‌ی مناسبات بین افراد و روابط اجتماعی است. به عبارت دیگر «وجه فعل» وسیله و ابزار نامرئی شناخت و آگاهی از نوع نگرش و ایدئولوژی گوینده است. به عبارت دیگر اگر وجهیت را نگرش سخن‌گو

درباره‌ی حقیقت و درستی یک پاره گفتار و میزان قاطعیت گوینده در بیان یک گزاره بدانیم، که نوع روابط میان افراد و مناسبات اجتماعی را مشخص می‌کند و مشخصه‌ی جمله‌ای محسوب می‌شود، وجه فعل آن دسته از ابزارهای دستوری است که نگرش گوینده را در فعل بروز می‌دهد. وجه فعل، صورت یا جنبه‌ای از آن است که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو و تمنا تأکید و امید و بعضی امور دیگر دلالت می‌کند.» (آقاگل‌زاده و عباسی، ۱۳۹۱).

در سبک‌شناسی، با توجه به جمله‌ها و واژه‌ها، دیدگاه نگرش نویسنده و گوینده به صورت جزئی‌تر در انواع گوناگون طبقه‌بندی و بررسی می‌شود. که البته این طبقه‌بندی‌ها گاهی مشابهت دارد با تقسیم‌بندی در دستور زبان فارسی، اما آنچه اکثر دستورنویسان اتفاق نظر دارند، تقسیم وجه فعل به سه بخش؛ اخباری، التزامی و امری است. که وجه اخباری و وجه التزامی در نوع خود به زمان‌هایی چون: انواع مضارع و ماضی طبقه‌بندی می‌شوند.

جدول ۱. انواع وجه فعل در فارسی

وجه امری	وجه التزامی	وجه اخباری									
		مضارع ساده: (اگر) روند	مضارع ساده: (اگر) روند	مضارع ساده: (اگر) روند	مضارع ساده: روند	مضارع ساده: روند	مضارع ساده: روند	مضارع ساده: روند	مضارع ساده: روند	مضارع ساده: روند	مضارع ساده: روند

بنا بر تعریف دستورنویسان فعل کلمه‌ای است که انجام کاری یا داشتن حالتی را بیان می‌کند. و هر «فعل ویژگی‌های گوناگونی دارد که از مهم‌ترین ویژگی‌های فعل «وجه» آن است.» (مدرسی و مهرآوردگیلو، ۱۳۹۴) بنابراین «فعل را به اعتبار کیفیت بیان مفهوم آن که خبری را برساند یا وقوع و حالت آن را با احتمال یا شرط همراه کند یا فرمانی را برساند از یکی از سه وجه؛ اخباری یا التزامی

یا امری به شمار می‌آورند. مثال: ۱- علی به کتابخانه رفت. ۲- شاید زهرا به مدرسه رفته باشد. ۳/ - حمید! به خانه برو. در این مثال بالا فعل‌های: رفت، رفته باشد و برو؛ هر سه بر عمل «رفتن» دلالت می‌کنند. در جمله‌ی اول خبر قطعی می‌دهیم، در جمله‌ی دوم همان خبر با شک و تردید یا با احتمال همراه است و گوینده یقین ندارد زهرا قطعاً به مدرسه رفته است. در جمله‌ی سوم از مخاطب انجام دادن عملی خواسته می‌شود. فعل جمله‌ی اول از وجه اخباری، فعل جمله‌ی دوم وجه التزامی و فعل جمله‌ی سوم وجه امری است.» (انوری، گیوی، ۱۳۸۰: ۷۳)

البته دستورنویسان زبان فارسی در تقسیم‌بندی انواع وجوه فعل نیز نظریات متفاوتی دارند. و عده‌ای آن را به چهار یا شش نوع تقسیم‌بندی کرده‌اند: اخباری، التزامی، شرطی، مصدری، امری و وصفی؛ و به گفته‌ی انوری و گیوی: «وجه فعل در دستور زبان فارسی در سه طبقه‌ی اخباری، التزامی و امری قرار می‌گیرد؛ یعنی اگر فعل به اعتبار کیفیت خبری مفهوم آن، اخباری و به اعتبار شرط، احتمال، تردید، تمنا، میل، آرزو، و امثال آن التزامی و اگر مفهوم جمله درخواست یا فرمان باشد، وجه امری می‌گویند. وجوه دیگری چون شرطی، مصدری و وصفی چون استقلالی از خود ندارند در زیرمجموعه‌ی سه وجه یادشده قرار می‌گیرند. زیرا وجه شرطی مانند دیگر انواع وجه التزامی از قبیل شک و تمنا و جز آن‌ها، فعل را ملتزم به وجود شرطی می‌کند و ساخت خاصی نیز ندارد؛ وجه وصفی نیز به تبع فعل بعدی، زمان و وجهش مشخص می‌گردد پس نمی‌تواند مستقل از وجوه دیگر باشد؛ وجه مصدری نیز اصلاً فعل نیست زیرا مصدر از انواع اسم به شمار می‌آید و اگر بتوان برای آن در مواردی وجهی قائل شد، باید آن را از نوع وجه التزامی دانست زیرا یکی از مفاهیم التزام مانند لزوم و اراده را می‌رساند، در وجه امری که انجام یا تحقیق فعل امر منوط به اتفاق عمل به آینده یا ملتزم به اجرا از طرف فاعل است، بنابراین عملی شدن فعل همراه با شک و تردید است و بستگی به اراده‌ی فاعل دارد، می‌توان وجه امری را نیز در زیرمجموعه‌ی وجه التزامی آورد.» (انوری و گیوی، ۱۳۸۴: ۷۵).

بنابراین می‌توان تمامی وجوه شش‌گانه‌ی فعل را در دو وجه اخباری و التزامی تقسیم‌بندی کرد. با توجه به توضیحاتی که پیش‌تر آمد، فتوحی علت این اختلاف‌نظرها در تقسیم‌بندی وجوه افعال را

این‌گونه بیان می‌کند: «علت این تنوع وجه و اختلاف‌نظر، هم‌پوشانی قلمروهای معنایی این وجوه است.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۷) دکتر فتوحی افعال وجهی را به لحاظ میزان قطعیت معنا در دو گروه کلی زیر تقسیم‌بندی کرده است:

«اول؛ آن دسته که وقوع فعل را با درجاتی از قطعیت بیان می‌کند. مثلاً افعالی که برای بیان یک وضعیت قطعی، احتمالی، ممکن، یا غیرممکن به کار می‌روند. دوم؛ افعال وجهی که بیان‌گر اجبار شنونده یا آزادی عمل وی هستند. مثلاً امر به انجام کاری یا نهی از آن، ممنوع یا مجاز ساختن امری، این‌که بهتر است چیزی رخ دهد یا نه.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۷). پس می‌توان گفت:

- وجه اخباری؛ از دلالت فعل بر معنای آن به قطع خبر می‌دهد. و میزان صدق و کذب بودن قضیه است. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۶) به عبارت‌دیگر در وجه اخباری گوینده نسبت به انجام دادن فعل یا وجود حالتی در فعل، یقین دارد و اسناد در آن قابل صدق و کذب است.

- وجه التزامی؛ التزام فعل بر معنا با (همراهی) چیزی و امری مانند؛ «امید و آرزو، میل، شرط، شک و امثال آن بیان می‌کند. به عبارت‌دیگر در وجه التزامی گوینده، تفسیر و تعبیری همراه فعل می‌آورد.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۶) بدین معنی که اگر انجام شدن یا نشدن فعل حتمی نباشد، فعل را به صورت وجه التزامی می‌آورند که اغلب به دنبال فعل دیگر می‌آید. به همین دلیل فتوحی از آن به «وابستگی» یاد می‌کند. این وجه بر اموری مثل خواست، میل، آرزو، امید، دعا، شرط، شک، لزوم و مانند آن‌ها دلالت کند که همگی جزو امور احتمالی و غیرقطعی می‌باشند.

- وجه امری؛ انجام یا عدم انجام فعل یا داشتن و نداشتن و پذیرفتن و نپذیرفتن حالتی را طلب می‌کند. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۶) که به صورت فرمان و دستور، خواست، خواهش و تمنا بیان می‌کند. نکته قابل توجه در وجه امری این است که اگر گوینده بخواهد مخاطب با قطعیت و به طور حتم دستور و خواست او را اجرا کند، فعل امر را در وجه اخباری بکار می‌برد. اما چنانچه اجباری بر انجام دادن فعل نداشته باشد و یا از انجام یا عدم انجام دادن فرمان و امر خود از سوی مخاطب مطمئن نباشد و دچار شک و تردید باشد، فعل را در وجه التزامی بکار می‌برد.

در نتیجه وجهیت فعل یعنی تبیین نگرش نویسنده در باب موضوع، «مثلاً نشان می‌دهد که احتمال دارد؛ ضرورت دارد؛ اجازه دارید؛ ممکن است، بهتر است؛ انتظار داریم و...» که این تلقی درباره‌ی یک رخداد به وسیله فعل‌های کمکی یا جنبه وجهی فعل بیان می‌شود. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۶) وحیدیان کامیار نیز در توضیح کلمات وجهی می‌گوید: «باید، کاش، اگر، مبدا و هر واژه‌ای که در مفهوم و معنای این واژه‌ها به کار می‌رود؛ و نیز فعل‌های خواستن و توانستن و سایر فعل‌هایی که در جمله‌های مرکب پیرو مقصدی قرار می‌گیرند، از انواع کلمات وجهی به شمار می‌آیند. برای مثال جمله‌ی (شاید احمد به مدرسه رفته باشد). حاکی از درجه‌ی احتمال و اذعان گوینده به عدم قطعیت وقوع گزاره است و دارای معنای وجهی (از نوع معرفتی) همراه با محتوای گزاره‌ای جمله است. درحالی‌که جمله‌ی (احمد یک ساعت پیش به مدرسه رفت). صرفاً خبری را می‌رساند و نشانی از معنای وجهی و یا صورتی از ارزیابی گوینده در باب گفته نیست.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۱)

خانلری معتقد است: «فعلی که به وجه التزامی است همیشه به دنبال فعل دیگری می‌آید» (ناتل خانلری، ۱۳۸۰: ۸۹). تمامی صاحب‌نظران در این مورد اتفاق نظر دارند که «وقوع یا لاوقوع آن قطعی نیست». شریعت هم عقیده دارد که «در وجه التزامی، احتمال صدق و کذب در گفتار وجود ندارد و آن را به احتمال از قبیل آرزو، میل، امید، شرط و امثال آن بیان می‌کنند.» (شریعت، ۱۳۸۴: ۱۳۱) فتوحی می‌گوید: «در این وجه جهت‌گیری و حالت گوینده نسبت به اجرای یک عمل از نوع درخواست، توصیه، اجبار و فرمان نشان داده می‌شود. و این سوگیری به طور ضمنی یا صریح در سخن از ضعیف به جانب شدید است» و یا «میزان قاطعیت گوینده درباره‌ی یک گزاره یا بیان‌کننده‌ی منظور (کنش غیربیانی) نویسنده است، و اشاره دارد به تلقی گوینده از چیزی یا عقیده‌ی وی درباره‌ی میزان درستی مفهوم یک جمله، و اهمیت وجه در ساختمان بند از آن جهت است که جهت‌گیری‌های خاص نویسنده را نسبت به آنچه می‌گویند، آشکار می‌سازد. وجهیت در شناخت ایدئولوژی و دیدگاه‌های مستمر نویسنده در متن به کار گرفته می‌شود.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۵) بنابراین «وجه کلام در یک گفت‌وگو نوع روابط میان افراد را تعیین کرده و نقش اساسی در القای مفاهیم بینافردی و اجتماعی دارد.» (هالیدی، ۱۹۸۷: ۷۲)

می‌توان به طور خلاصه گفت: وجهیت فعل بیان‌گر طرز تلقی، تفکر و جهان‌بینی گوینده است بسامد و فراوانی کاربرد هر یک از این وجوه در متن، اندیشه، شخصیت و دیدگاه نویسنده‌ی آن را برای مخاطب روشن و تبیین می‌نماید. و همین «شناخت اندیشه‌ها و نظرات موجب افزایش تعامل درونی و فکری گوینده و مخاطب می‌شود، یعنی به بهبود و تسریع روابط بین‌فردی و اجتماعی کمک می‌کند. برخی از پرکاربردترین وجوه فعل که نمود معنایی جمله را شکل می‌دهند عبارت‌اند از: وجه اخباری، التزامی، تمنایی، معرفتی و عاطفی.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۷) که در این پژوهش با تکیه بر نظر و تقسیم‌بندی فتوحی و رحیمیان در باب وجه فعل، با جمع‌آوری نمونه‌های شعر فروغ، به بررسی افکار و عقاید فروغ، با تأمل بر وجه التزامی افعال در اشعار او، پرداخته‌ایم.

بحث

با توجه به بررسی وجوه افعال از دیدگاه نویسنده در نحو و با تکیه بر این باور که سبک، مولود دیدگاه و نگرش گوینده درباره‌ی امور هستی است، به عبارت‌دیگر هدف، ایدئولوژی و نوع نگرش نویسنده نسبت به امور هستی و موضوع مورد بحث در وجهیت و نحوه‌ی گزینش فعل نهفته است. به‌طورکلی وجهیت نشان‌گر اندازه‌ی باور و عقیده‌ی نویسنده در مورد یک موضوع است. یعنی از وجه فعل به میزان اهمیت و اعتبار موضوع نزد گوینده می‌توان پی‌برد و همین جهت‌گیری گوینده در کلام نوع رابطه‌ی او با شنونده را تعیین می‌کند.

• وجه التزامی: این وجه روشن‌گر موضع و نظر نویسنده یا گوینده نسبت به انجام فعل است که انواع مختلفی را بسته به شدت و ضعف آن، دارد. فعل‌های کمکی معمول در این وجه عبارتند از: شایسته است، بهتر است، لازم است، باید، مسلم است، ممکن است، ممنوع است و حرام است، درجات سفارشی، تأکید، اجازه، امر و نهی و مانند آن را بیان می‌کند.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۸)

- وجه التزامی (درخواست و تقاضا) در شعر فروغ:

- بگذار/ که فراموش کنم/ تو چه هستی، جز یک لحظه، یک لحظه که چشمان مرا/ می‌گشاید

در/ برهوت آگاهی؟/ بگذار/ که فراموش کنم (فرخزاد، ۱۳۸۲: ۱۳/۱۹۹)

فعل فراموش کنم، وجه التزامی از نوع درخواست و تقاضا به قرینه‌ی فعل بگذار که خود وجه امری است در معنای اجازه بده.

در ابیات زیر فعل می‌خواهم، وجه التزامی از نوع درخواست و تقاضا و وجه عاطفی است که بیانگر حالت عاشقانه و دیدگاه درونی شاعر است که می‌خواهد لذت عشق و رنج عشق را بیامیزد و تجربه کند:

ای تشنح‌های لذت در تنم/ ای خطوط پیکرت پیراهنم/ آه می‌خواهم که بشکافم زهم/ شادیم یکدم بیالاید به غم/ آه، می‌خواهم که برخیزم زجای/ همچو ابری اشک ریزم‌های‌های (فرخزاد، ۱۳۸۲: ۵/۲۲۹)

- وجه التزامی (فرمان و اجبار) در شعر فروغ:

- سخنی باید گفت/ سخنی باید گفت/ دل من می‌خواهد با ظلمت جفت شود/ سخنی باید گفت (همان: ۷/۲۴۴)

در این شعر فعل «باید گفت» وجه التزامی است از نوع دستوری و یا اجبار است. چرا که عمل گفتن هنوز اتفاق نیافتاده و انجام گرفتن آن در آینده خواهد بود و نشان‌گر جهت‌گیری شاعر به سمت وسوی سخن گفتن از عشق و فرار از فراموشی و زوال است. همچنین فعل «می‌خواهد جفت شود» نیز وجه التزامی از نوع تقاضا است که جنبه‌ی عاطفی دارد.

در همین ابتدا، بیان این نکته ضروری است که علاوه بر برخی ویژگی‌های معنایی و کلامی برای تشخیص وجهیت در زبان فارسی: «وجهیت در این زبان به کمک قیدها، افعال وجهی و افعال اسنادی ذهنی مانند؛ شاید، حتماً، باید، توانستن، ممکن بودن، فکر کردن و... رمزگذاری می‌شود.» (عموزاده و رضایی، ۱۳۹۱) به عبارت دیگر: «واژه‌ی» باید «از جمله کلماتی است که در کنار کلمات دیگری چون شاید، احتمالاً و عباراتی چون ممکن است و لازم است نقش مهمی در انتقال معانی وجهی ایفا می‌کند.» (عموزاده و رضایی، ۱۳۸۹). بیش‌تر دستورنویسان مثل انوری، گیوی، فتوحی، خانلری و... «باید» را قبل از فعل را نشانه‌ی وجه التزامی می‌دانند. نائینی نیز بیان می‌کند: «در زبان فارسی فعل‌های (بایستن و شدن) از افعال وجهی اصلی می‌باشند که صورت‌های

تصرف ناپذیری را در بر می‌گیرند که معنای وجهیت را بیان می‌کنند.» (متولیان نائینی، ۱۳۹۵). «نشان‌گرهای وجهی ابزارهایی‌اند که گوینده به کمک آن‌ها از تصریح در درستی گزاره اجتناب می‌کند. بر این اساس، چنین عباراتی نقش مهمی در انتقال مفاهیم وجهی ایفا می‌کنند.» (عموزاده و رضایی، ۱۳۸۹) لازم به یادآوری است که «باید» معانی وجهی متعددی دارد، یکی از این معانی «وجهیت تکلیفی است که دربردارنده‌ی نوعی اجبار و الزام و یا اجازه در مورد وقوع گزاره می‌باشد.» (همان، ۱۳۸۹).

تکرار فعل (ببخشاید) در سرتاسر شعر زیر وجه التزامی از نوع امری است که حالا ممکن است در آینده تحقق یابد یا نه. یعنی وقوع فعل بستگی به اراده‌ی فاعل دارد که آن را انجام بدهد یا ندهد:

- بر او ببخشاید/ بر او که گاه‌گاه/ پیوند دردناک وجودش را/ با آب‌های راکد/ و حفره‌های خالی از یاد می‌برد/ و ابلهانه می‌پندارد/ که حق زیستن دارد (فرخزاد، ۱۳۸۲: ۱/۲۱۸)

• وجه تمنایی: «این وجه دربردارنده‌ی خواهش، تمنا و مفاهیمی هم‌چون میل، امید، دعا و آرزو است و در زبان فارسی با «کاش» و مترادف‌های آن مثل امیدوارم، آرزو دارم، مایلم و... همراه است: امیدوارم این داستان را چاپ کنید.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۸)

- وجه التزامی (تمنایی) در شعر فروغ:

- هرگز آرزو نکرده‌ام/ یک ستاره در سراب آسمان شوم/ یا چو روح برگزیدگان/ هم‌نشین خامش فرشتگان شوم. (فرخزاد، ۱۳۸۲: ۱/۲۰۳)

فعل «شوم» در این ابیات وجه التزامی تمنایی است در قطب منفی است و بیان‌گر آرزو و خواست شاعر است. این‌که او نمی‌خواهد ستاره و یا هم‌نشین فرشتگان بشود. در واقع فروغ به زمینی بودن و انسان بودن قانع است و شاید حتی بدان می‌بالد:

- روی خاک ایستاده‌ام/ تا ستاره‌ها ستایشم کنند/ تا نسیم‌ها نوازشم کنند (همان: ۱/۲۰۴)

افعال «ستایشم‌کنند» و «نوازشم‌کنند» وجه التزامی تمنایی است و نشان‌دهنده‌ی آرزوی شاعر برای ستایش شدن و نواختن است. یعنی او آرزوی دریافت محبت و نوازش را دارد.

- کسی از آسمان توپخانه در شب آتش‌بازی می‌آید/ و سفره را می‌اندازد/ و نان را قسمت می‌کند/ و پپسی را قسمت می‌کند/ و باغ ملی را قسمت می‌کند/ و شربت سیاه‌سرفه را قسمت می‌کند/ و روز اسم‌نویسی را قسمت می‌کند/ و نمره‌ی مریضخانه را قسمت می‌کند/ و چکمه‌های لاستیکی را قسمت می‌کند/ و سینمای فردین را قسمت می‌کند/ درخت‌های دختر سیدجواد را قسمت می‌کند/ و هرچه را که باد کرده باشد قسمت می‌کند/ و سهم ما را هم می‌دهد/ من خواب دیده‌ام (همان: ۱۵/۳۴۲)

وجه تمامی فعل‌های بالا التزامی تمنایی است و بیان‌گر تحقق آرزوهای شاعر در ذهن و رؤیای او و دست‌یابی به آرمان‌های شاعر. و هم‌چنین سوگیری و دیدگاه فروغ در مورد عدالت فردی و اجتماعی، زندگی انسان‌ها که ضمن طرح موضوع مورد انتظار که همان اجرای عدالت است، این مفهوم را القا می‌کند که زندگی خود شاعر نیز خالی از عدالت و شادی بوده است.

- آیا دوباره گیسوانم را/ در باد شانه خواهم زد؟/ آیا دوباره باغچه‌ها را بنفشه خواهم کاشت؟/ و شمعدانی‌ها را/ در آسمان پشت پنجره خواهم گذاشت؟/ آیا دوباره روی لیوان‌ها خواهم رقصید؟/ آیا دوباره زنگ در مرا به‌سوی انتظار صدا خواهد برد؟ (همان: ۱۰/۳۱۶)

وجه افعال در ابیات بالا التزامی و از نوع تمنایی است و جنبه‌ی عاطفی بالایی هم دارد. و بیان‌کننده‌ی آرزوی شاعر در برگشتن به روزهای خوش گذشته در کودکی است، همان هفت سالگی که فروغ به نیکی و خوبی از آن یاد می‌کند. هم‌چنین حالت پرسشی جملات نیز حاکی از تردید و تمنای درونی اوست که آیا آن اتفاقات و روزهای خوب دوباره تکرار خواهد شد یا نه، که البته سؤالات از نوع استفهام انکاری است و البته همین نشانه‌ی عمق آرزوی اوست.

فروغ با وجود همه‌ی تنهایی، تنگناها و مشکلاتی که داشت همیشه امیدوار و آرزومند بود، اندیشه‌های آرمانی خود را با زبان شعرش بیان می‌کند. در بیت‌های زیر وجه التزامی افعال بیان‌گر آرزوهای اوست؛ رهایی از قیدوبندها، محدودیت‌های اجتماعی و قواعد عرفی دست و پاگیر. هم‌چنین با توجه به کاربرد حروف اضافه «از» و «به»، محدودیت‌های ایدئولوژیک حاکم بر جامعه، عاشق پیشه‌گی فروغ، بایدها و نبایدهای عقل، معاش و زندگی نظامی‌گری شاعر واضح و

هویداست. فعل التزامی «رهاخواهم کرد» حاکی از آرزوی رهایی است، رهایی از خطوط قفس‌وار زندگی، رهایی از نظم زنجیروار و حصارى که زندگى روزمره با قوانین پیچیده‌اش دور او کشیده است. که این حس به خوبی در واژگان «خطوط، شمارش اعداد، شکل‌های هندسی محدود» گنجانده شده است.

- خطوط را رها خواهم کرد/ و هم‌چنین شمارش اعداد را رهاخواهم کرد/ از میان شکل‌های هندسی محدود/ به پهنه‌ی حسی وسعت پناه خواهم برد/ من عریانم، عریانم، عریانم/ مثل سکوت- های میان کلام‌های محبت عریانم/ و زخم‌های من همه از عشق است/ از عشق، عشق، عشق، عشق (فرخزاد، ۱۳۸۲: ۱۵/۳۱۳)

نکته‌ی مهم و قابل تأمل این است که در بیش‌تر موارد وجه تمنایی و یا وجه عاطفی را می‌توان از نوع وجه معرفتی و زیرمجموعه‌ی بی از آن دانست زیرا به دلیل لایه‌های چندگانه‌ی کلام و چندمعنایی بودن، ابهام و ابهام موجود در شعر فروغ، گاهی تداخل در مرز وجوه التزامی پیش می‌آید. همانند ابیات بالا؛ «کسی از آسمان توپخانه در شب آتش‌بازی می‌آید/ و سفره را می‌اندازد/ و نان را قسمت می‌کند...» از طرفی خبر از آینده و آمدن کسی می‌دهد، درواقع او آگاه و امیدوار به آینده‌ای روشن است و در لایه‌ی معنایی دیگر آرزوها و خواسته‌های خود را به این شکل و در قالب یک پش‌گویی و خواب بیان می‌کند. به همین دلیل، در بیشتر مواقع تفکیک کامل و ایجاد مرز مشخص بین وجوه التزامی اشعارش مشکل و یا غیرممکن می‌نماید و نمی‌توان در یک نمودار آماری بسامد آن‌ها را دقیق و جداگانه نشان داد.

نمونه بارز وجه تمنایی و آرزویی را می‌توان اشعار «آن روزها» و «هفت سالگی» عنوان کرد که این شعرها در لایه‌ی زیرین خود حامل معنای وجهی بوده که بیان‌گر میل و خواست شاعر است برای بازگشت به ایام کودکی و روزهای معصومیت، مهربانی و سادگی است.

• وجه معرفتی: همان‌طور که از اسمش پیداست این وجه بیان‌گر میزان شناخت و عقیده‌ی نویسنده در باب موضوع است. از نظر پالمر «اولین نوع وجهیت، معرفتی می‌باشد و قضاوتی است در مورد امکان تحقق وضعیت یا فعل و رویدادی.» (پالمر، ۱۹۹۰: ۵۰) به گفته‌ی لاینز،

این وجه حاوی «نظر، ارزیابی و میزان پابندی گوینده نسبت به محتوای جمله بر اساس علم، آگاهی و شواهد موجود است و از همین روی این وجه گوینده مدار است.» (لاینز، ۱۹۷۷: ۷۹۳) که این نظر صرفاً تبیین‌گر عقیده‌ی گوینده در خصوص موضوع مورد بحث است و به این معنا نیست که حتماً یک حقیقت قطعی در مورد امور هستی است. بلکه فقط نشان‌گر نظر گوینده است. فتوحی می‌گوید وجه معرفتی «به آگاهی، باور و شناخت گوینده از موضوع مرتبط است و دلالت بر اطمینان گوینده درباره‌ی صدق و کذب یک گزاره دارد. این وجه در تحلیل نگرش و اندیشه گوینده یکی از شاخص‌های مهم است... افعال و قیده‌های ناظر بر اطمینان قطعی عبارت‌اند از: مسلم است، یقین دارم، گمان‌می‌کنم، باید، به‌طور مستدل، یقیناً، مسلماً، قطعاً، مطلقاً... و فعل‌ها و قیده‌های نشان‌دهنده‌ی عدم اطمینان و تردید از این قرارند: شاید، احتمال دارد، ممکن است، ظاهراً، فرضاً و...» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۸) رحیمیان نیز بر این نظر است که: «کلمات» باید «) شاید (و) اگر «عامل وابستگی، یا به‌عبارت‌دیگر عامل وجهی هستند.» (رحیمیان، ۱۳۷۸). «برخی نیز کلماتی از این دست را، نوعی» نشانگر وجهی «دانسته‌اند. نشانگرهای وجهی ابزارهایی هستند که گوینده به کمک آن‌ها از تصریح در درستی گزاره اجتناب می‌کند و بر این اساس، چنین عباراتی نقش مهمی در انتقال مفاهیم وجهی ایفا می‌کنند.» (فروزنده و بنی طالبی، ۱۳۹۳)

وجه التزامی (معرفتی) در شعر فروغ

– هر که دل‌داده شد به دل‌دارش / ننشید به قصد آزارش / برود، چشم من به دنبالش / برود، عشق من نگه‌دارش (فرخزاد، ۱۳۸۲: ۱۲/۲۰۶)

افعال «ننشیند و برود» وجه التزامی از نوع معرفتی و قطعی است. که بدون به کار بردن افعال و قیده‌های ناظر بر اطمینان قطعی نظیر؛ مسلم است، یقیناً، باید، مسلماً و...، از مفهوم جمله دیدگاه فروغ نمایان است. درواقع می‌گوید هرکسی که به معشوق خود دل‌داده شود، به یقین قصد آزار و او را نخواهد داشت، بلکه معشوق هر جا برود چشم عاشق به دنبال او روان می‌گردد.

- و لبانت را چون حسی گرم از هستی/ به نوازش‌های لب‌های عاشق من بسپار/ باد ما را خواهد برد/ باد ما را خواهد برد (فرخزاد، ۱۳۸۲: ۱۴/۲۰۹)

فعل خواهد برد، از وجه التزامی معرفتی است و اطمینان شاعر است از این‌که در آینده قطعاً باد خواهد برد. به عبارت دیگر معرفت فروغ به یک موضوع قطعی را می‌رساند.

- همه‌ی هستی من آیه‌ی تاریکیست/ که ترا در خود تکرارکنان/ به سحرگاه شکفتن‌ها و رستن‌های ابدی خواهد برد (همان: ۱/۱۹۱)

فعل «خواهد برد» ناظر بر شناخت فروغ از دوران زندگی تراژیک اوست، یعنی دوران تنهایی، انزوا و خانه‌ای متروک و پله‌هایی که او را به گردش حزن‌آلود در باغ خاطره‌ها می‌برد. در تحلیل نگاه شاعر باید گفت: فروغ با شناختی که دارد، یقین دارد که با عبور از این برهه‌ی زمانی و روزهای تاریکی و ظلمت، به سحرگاه شکفتن‌ها و سبز شدن ابدی و جاودانگی خواهد رسید. به بیان دیگر وجه معرفتی فعل، نمایان‌گر آگاهی و شناخت شاعر است. و می‌توان گفت که فعل کمکی (یقین دارم به قرینه‌ی) معنوی در شعر حذف شده است.

- چرا توقف کنم؟/ راه از میان مویرگ‌های حیات می‌گذرد/ کیفیت محیط کشتی زهدان ماه/ سلول‌های فاسد را خواهد کشت/ و در فضای شیمیائی بعد از طلوع/ تنها صداست/ صدا که جذب ذره‌های زمان خواهد شد/ چرا توقف کنم؟ (همان: ۱/۳۴۵)

وجه فعل‌های «خواهد کشت و خواهد شد» بیان‌گر دیدگاه گوینده و اطمینان او از این مسئله است که پاک‌ی و قدرت ماه که در دریای وسیعی شناور است، سلول‌های فاسد را از بین خواهد برد و صدا در تمام ذرات زمان جذب، منعکس و ضبط و ثبت خواهد شد و این صداست که ماندگار و جاودانه است. پس وقتی در تک‌تک مویرگ‌های هستی زندگی جریان دارد و وقتی صدا نامیرا و جاویدان است چرا توقف کند؟ زیرا زندگی حتی در نبود جسم فناپذیر او هم ادامه دارد و او البته در صدایش که همان شعرش است در تمام زمان‌ها جاری و ماندگار است. در این‌جا هم می‌توان گفت فعل کمکی (یقین دارم به قرینه‌ی) معنوی در شعر حذف شده است.

در بیت‌های زیر نیز افعال «چگونه می‌شود، فرمان ایست داد، زنده نیست» در وجه التزامی است. ضمن این‌که از نظر علم معانی استفهام‌انکاری است و بیان‌گر باور و عقیده‌ی شاعر است که زنده‌ها را به چشم مرده‌های فردا می‌بیند و به مرگ زنده‌های امروز اطمینان دارد. در واقع دیدگاه فروغ به مرگ در این‌جا مشخص است که ضمن باور و قبول مرگ، آن را به‌طور عمیق در وجود تمام انسان‌ها و موجودات، درک و حس می‌کند.

- چگونه می‌شود به آن‌کس که می‌رود این‌سان / صبور / سنگین / سرگردان / فرمان ایست داد /

چگونه می‌شود به مرد گفت که او زنده نیست، او هیچ‌وقت / زنده نبوده است. (همان: ۳/۳۱۱)

در ابیات زیر فعل‌های بکار رفته در زمان آینده (برخواهد خاست؟ / خواهد ریخت؟) خواهد کرد؟) وجه التزامی معرفتی است البته در ژرف ساخت معنایی خبر از آرزو و تمنای شاعر دارد به تکرار روزهای خوش کودکی و رقص و پایکوبی:

- دیگر چگونه یک نفر به رقص برخواهد خاست؟ / و گیسوان کودکیش را در آب‌های جاری

خواهد ریخت / و سیب را که سرانجام چیده است و بوئیده است / در زیر پا لگد خواهد کرد؟

(همان: ۱۸/۳۱۱)

فعل التزامی «نخواهم شد» از نوع وجه معرفتی مبنی بر آگاهی فروغ از آینده‌ای سرد دارد و

این‌که هرگز گرم نخواهد شد:

- من سردم است / من سردم است و انگار هیچ‌وقت گرم نخواهم شد (فرخزاد، ۱۳۸۲: ۳/۳۱۳)

• **وجه عاطفی:** جمله‌های عاطفی الگوی مشخصی ندارند و از طریق معنا می‌توان

تشخیص داد که عاطفی است یا نه. یعنی «هر جمله‌ای که بیانگر عاطفه و احساس گوینده باشد و به قصد اخبار ادا نشود، جمله عاطفی می‌گویند.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۳۳). فتوحی می‌نویسد:

«دربردارنده‌ی شور، هیجان و احساسات گوینده و نشان‌دهنده‌ی درجه‌ی دوستی یا نفرت وی نسبت به موضوع است.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۹) بیان احساساتی مانند اندوه، شادی، درد، لذت، ستایش و آفرین، نفرت و کینه، حسرت، شگفتی، افسوس و مقولاتی از این قبیل با این وجه صورت می‌گیرد.

وجه التزامی (عاطفی) در شعر فروغ

- آن روزها رفتند (فرخزاد، ۱۳۸۲: ۱/۱۹۲)

وجه التزامی عاطفی فعل «رفتند» و تکرار آن همراه «آن روزها» در سراسر شعر، بیان‌کننده‌ی افسوس و اندوه فروغ از گذشت دوران کودکی است، که چگونه از پنجره‌ی حال و با حسرت روزهای خوش گذشته را نظاره‌گر است. البته نمود این وجه را در این شعر از آغاز تا پایان آشکارا مشاهده می‌کنیم که مکرر یاد می‌شود.

مثل بیت زیر که این تکرار همراه با واژه‌ی «آه» گویای حس عاطفی نوستالژیک و حسرت‌بار او از گذشت روزهای کودکی و نوجوانی و غم فراگیر زندگی کنونی به‌خصوص بعد از طلاق و تنهایی است.

- و دختری که گونه‌هایش را/ با برگ‌های شمعدانی رنگ می‌زد، آه/ اکنون زنی تنهاست/ اکنون زنی تنهاست (همان: ۸/۱۹۷)

- من به یاد آوردم/ اولین روز بلوغم را/ که همه‌ی اندامم/ باز می‌شد در بهتی معصوم/ تا بیامیزد با آن مبهم، آن گنگ، آن نامعلوم (همان: ۷/۲۲۲)

در اینجا از فعل «بیامیزد» متوجه شگفتی و حسرت فروغ می‌شویم و باز یادآوری روزهای خوش گذشته. این یادکرد گذشته و دوران کودکی در جای‌جای اشعار فروغ از جملات، واژه‌ها، افعال و محتوای آن قابل درک و دریافت است:

- آه، چه آرام و پر غرور گذر داشت/ زندگی من چون جویبار غریبی/ در دل این جمعه‌های ساکت متروک/ در دل این خانه‌های خالی دلگیر/ آه، چه آرام و پر غرور گذر داشت (همان: ۱/۲۳۳)

عبارت «آه، چه آرام گذر داشت» در این شعر، اندوه و حسرت نوستالژیک شاعر از سپری شدن عمر و زودگذر بودن دوران نوجوانی را به خوبی نشان می‌دهد.

- من دلم می‌خواهد/ که به طغیانی تسلیم شوم/ من دلم می‌خواهد/ که بیارم از آن ابر بزرگ/ من دلم می‌خواهد/ که بگویم نه نه نه نه (همان: ۱۶/۲۴۸)

در فعل «دلم می‌خواهد» جهت‌گیری شاعر از آرزوی بیان حالت مبهم سحرگاهان و حس بلوغ واضح است. در واقع آرزوی فروغ در بیان عواطف و احساساتش را می‌بینیم، حتی در گفتن و تکرار «نه» می‌توان صدای فریاد او را شنید.

- آه، اگر راهی به دریائیم بود/ از فرورفتن چه پروائیم بود (همان: ۱۹/۲۵۱)

در بیت بالا، فعل‌های «راهی داشتم» و «پروائیم بود» ناظر بر یادکرد نوستالژیک دوران تلخ زندگی و افسوس و حسرت نبود دریای پاک‌ی عشق می‌باشد. و یا در شعر «آیه‌های زمینی» وجه التزامی عاطفی فعل در عبارت «شاید هنوز هم برجای مانده بود»، تبیین حسرت و ناراحتی فروغ از انسان‌هایی است که در اوج فساد جامعه با آخرین رمق‌هایشان می‌خواهند به پاک‌ی آوازا ایمان بیاورند:

- شاید هنوز هم/ در پشت چشم‌های له شده، در عمق انجماد/ یک چیز نیم‌زنده‌ی مغشوش/
بر جای مانده بود/ که در تلاش بی‌رمقش می‌خواست/ ایمان بیاورد به پاک‌ی آوازا (فرخزاد،
۱۳۸۲: ۱۷/۲۵۷)

هم‌چنین وجه فعل، امید به آینده را تداعی می‌کند، امید به رسیدن روزهای خوب پاک‌ی، عشق و صمیمیت.

- آیا در این دیار کسی هست که هنوز/ از آشنا شدن/ با چهره‌ی فنا شده‌ی خویش/ وحشت نداشته باشد؟/ آیا زمان آن نرسیده است/ که این دریچه بازشویید باز باز/ که آسمان ببارد/ و مرد، بر جنازه‌ی مرده‌ی خویش/ زاری‌کنان نماز گزارد (همان: ۸/۲۶۶)

فعل‌های «نداشته باشد، دریچه باز شود، نماز گزارد» در وجه التزامی عاطفی، یادآور حسرت و اندوه فروغ از شب ظلمت و وحشت از فنا شدن وجود خویش است، حس هولناک نابودی و ترس از مرگ، آرزوی رهایی و بازشان بندها، و گریه بر جنازه‌ی خویشتن. که همه نشان‌گر دیدگاه شاعر در خصوص مرگ و زوال می‌باشد.

- ای دوست، ای برادر، ای هم‌خون/ وقتی به ماه رسیدی/ تاریخ قتل عام گل‌ها را بنویس (همان:

۲/۳۳۰)

وجه فعل‌های «رسیدی و بنویس» التزامی است. که ضمن بیان حسرت دوران گذشته، غم و نفرت فروغ را از تنهایی و گذشت دوران نوجوانی و کودکی نشان می‌دهد و از نظر عاطفی شاعر احساس می‌کند که در کفن انتظار خود دفن خواهد شد و فقط آرزوی درک حس زنده‌بودن و زندگی از دنیا دارد.

– کسی مرا به آفتاب/ معرفی نخواهد کرد/ کسی مرا به میهمانی گنجشک‌ها نخواهد برد (همان):

(۷/۳۴۸)

وجه افعال «معرفی نخواهد کرد و نخواهد برد» التزامی عاطفی است که کاربرد این جنبه از فعل تلقی‌گوینده از محتوای گزاره را بیان می‌کند. به عبارت دیگر مخاطب می‌تواند دیدگاه شاعر را در جمله ببیند. در این جا نهایت تحسر و افسوس فروغ و یأس و ناامیدی کامل او قابل مشاهده و درک است. و می‌توان عمق درد و ناراحتی او را فهمید وقتی می‌گوید: «کسی مرا به آفتاب معرفی نخواهد کرد»، آفتاب یا خورشید که «در بعضی ملت‌ها اگر خود خدا نیست مظهر الوهیت – خدای اورمزدی – است. و یا منبع نور، گرما، زندگی و شعاع‌هایش نشانه‌ی اثرات آسمانی یا معنوی‌یی هستند که به زمین می‌رسند.» (ژان شوالیه، ج ۳، ۱۳۷۹: ۱۱۷) ناامیدی فروغ از رسیدن و دست یافتن به منبع پاکی و حیات مشخص است. و یا در جمله‌ی «کسی مرا به میهمانی گنجشک‌ها نخواهد برد» گنجشک یا پرند که نماد «سبکی و رهایی از ثقل زمین است» (همان، ج ۲، ۱۳۷۹: ۱۹۷) نشانه‌ی تحسر از اسارت و تنهایی در زمین و نیز اندیشه‌ی شاعر به رهایی نه فقط از زمین بلکه از قید و بندهای جامعه‌ی سنت‌زده و مردسالار است. وقتی در پایان شعر را با این مصرع خاتمه می‌دهد: «پرواز را به خاطر بسپار، پرندة مردنی است» مهر تأییدی می‌زند بر واقعیت انکارناپذیر و ناگزیر مرگ و فانی بودن انسان، پس آنچه مهم است زندگی آزادانه و آزاده زیستن و پاکی است. و این‌که باید خالی و سبک‌بار از بند هر باید و نبایندی زیست که انسان را از آزاداندیشی بازمی‌دارد.

– پرندة گفت: چه بوئی، چه آفتابی، آه/ بهار آمده است/ و من به جستجوی جفت خویش

خواهم رفت (فرخزاد، ۱۳۸۲: ۱/۲۸۸)

وجه فعل «خواهم رفت» التزامی است از آن جهت که مشخص نیست آرزوی پرنده در آینده تحقق خواهد یافت یا نه؟ و از این نظر عاطفی است که شاعر با جانشین‌سازی احساس و آرزوی خود را از زبان پرنده بیان می‌کند. چون پرنده نماد رهایی، پاکی و بهار است (ژان شوالیه، ج ۲، ۱۳۷۹: ۱۹۷) شاعر هم از زبان پرنده احساسات خود را برای یافتن جفت و همدم خویش بیان می‌دارد.

– به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد / ... به مادرم که در آئینه زندگی می‌کرد / و شکل پیری من بود / و به زمین که شهوت تکرار من، درون ملتپیش را / از تخمه‌های سبز می‌انباشت – سلامی دوباره خواهم داد (فرخزاد، ۱۳۸۲: ۱/۲۹۷)

فعل «سلامی دوباره خواهم داد» از آن روی التزامی است که تحقق خواسته‌ی شاعر ممکن است در آینده انجام بگیرد. و از وجه فعل نگرش نوستالژیک فروغ به اساس هستی و جهان که مدور و تکرار است یعنی خودش هم روزی مانند مادرش پیر خواهد شد و رویش و تولد مجدد در تمامی مظاهر عالم هستی و موجودات مشخص و مبرهن می‌باشد.

نتیجه

ساختار نحوی جملات و نوع وجهیت فعل‌ها در شعر فروغ روشن‌گر روح حساس و عاطفی او است. از طرف دیگر غلبه عشق و عاطفه در درون او موجب نزدیکی و پیوند احساس او با اشعارش می‌باشد به طوری که گویی با خودش صحبت می‌کند و به مرور خاطرات گذشته در ذهنش می‌پردازد. هم‌چنین وجه التزامی بکار رفته نمود افکار و احساسات فروغ در مورد برخی موضوعات است که در کل، واقع‌نمایی و حقیقت‌نمایی و اطمینان شاعر درباره‌ی موضوعات و محتوای اشعار و تصویر فضاهای نوستالژیک، عاطفی و عاشقانه و گزارش حوادث و رویدادها آن-گونه که هست را نشان می‌دهد. از بین وجوه فعلی به‌کاررفته در شعر فروغ، بسامد «وجه معرفتی» بسیار بالاتر از وجوه دیگر است به طوری که حتی می‌توان بعضی از وجوه، مثل وجه تمنایی را به دلیل نوع ساختار و ژرف ساخت معنایی آن، ذیل وجه معرفتی محسوب کرد و این بیانگر عمق شناخت و معرفت شاعر نسبت به مسائلی است که مطرح می‌کند، او بیش‌تر تردیدها، اعتقادات،

یقین و پابندی، قطعیت و غیرقطعی بودن موضوع را عمدتاً با افعال وجهی معرفتی و کاربست کمک فعل‌های مرتبط با آن بیان می‌کند، به طور مثال وقتی می‌گوید: «دریافتم، که باید. باید. باید/ دیوانه‌وار دوست بدارم» (فرخزاد، ۱۳۸۲: ۶/۳۲۸) واقعاً به عشق و دوست داشتن اعتقاد دارد، و زندگی او با دوست داشتن گذشت؛ دوست داشتن فرزند، فرزندخوانده، کودکی و... هم‌چنین استفاده از فضاهای واقعی در توصیف و واژگان به‌روز، مثل؛ «بازار، زنبیل، افاقی، عروسک، بادبادک، چرخ‌خیاطی و...» با زبان ساده و صمیمی که بخشی از آن با کمک گزینش افعال و کلماتی چون؛ «باید، گوئی، فکر می‌کنم، شاید و...» که دارای وجه التزامی است موجب پیوند زبان و عاطفه و اندیشه‌ی فروغ با مخاطبان دوران‌ها و حتی جوامع مختلف شده است. و به همین دلیل خواننده‌ی اشعارش رابطه‌ی نزدیکی با او برقرار کرده و نوعی همزادپنداری در ذهن و درونش شکل می‌گیرد. و این یکی از عوامل و راز نفوذ، تأثیر و ماندگاری شعر فروغ است.

منابع و مآخذ

فرهنگ لغات دهخدا.

فرهنگ لغات معین.

انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن. (۱۳۸۰). دستور زبان فارسی ۲، تهران: فاطمی.

_____ (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی فعل، تهران: قطره.

باطنی، محمدرضا. (۱۳۶۴). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: امیرکبیر.

حق‌شناس، علی محمد. (۱۳۸۲). زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته، تهران: آگه.

خیام پور، عبدالرسول. (۱۳۷۲). دستور زبان فارسی، تبریز: کتاب‌فروشی تهران.

ژان شوالیه، آن گربران. (۱۳۸۵). فرهنگ نمادها، اساطیر، رویاها، رسوم و... ترجمه و تحقیق: سودابه فضایی، ۴ جلد،

چاپ اول، تهران: جیحون.

سجودی، فرزانه. (۱۳۸۷). نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: هرمس.

شریعت، محمدجواد. (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی، تهران: اساطیر.

- شفائی، احمد. (۱۳۶۳). مبانی علمی دستور زبان فارسی، تهران: نوین.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). معانی، تهران: میترا.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، تهران: سخن.
- فرخزاد، فروغ. (۱۳۸۲). مجموعه اشعار، چاپ دوم، تهران: نگاه.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۸). دستور مفصل امروز، تهران: سخن.
- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۶۶). دستور زبان بر پایه نظریه گشتاری، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۶). دستور زبان فارسی، تهران: توس.
- _____ (۱۳۸۰). دستور زبان فارسی، تهران: توس.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۷۲). شانزده مقاله در زبان‌شناسی کاربردی و ترجمه، شیراز: نوید.

منابع مقالات:

- آفاگل زاده، فردوس و عباسی، زهرا (۱۳۹۱). بررسی وجه فعل در زبان فارسی بر پایه نظریه فضاهای ذهنی. ادب پژوهی، ۶ (۲۰)، ۱۵۴ - ۱۳۵.
- ابلخانی‌پور، نگین و کریمی‌دوستان، غلامحسین، (۱۳۹۵). واژگانی‌شدگی ابعاد معنایی وجهیت در صفات وجهی فارسی. فصل‌نامه‌ی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء (س)، ۸ (۱۹).
- _____، (۱۳۹۱). نظام وجهیت در زبان فارسی. پژوهش‌های زبانی، ۳ (۱)، ۷۶-۹۷.
- رحیمیان، جلال (۱۳۷۸). وجه فعل در فارسی امروز. علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۴ (۲)، ۵۲-۴۱.
- رحیمیان، جلال و عموزاده، محمد (۱۳۹۲). افعال وجهی در زبان فارسی و بیان وجهیت. پژوهش‌های زبانی، ۴ (۱)، ۲۱-۴۰.
- رضایی، حدائق و عموزاده، محمد (۱۳۸۹). ابعاد معناشناختی باید در زبان فارسی. پژوهش‌های زبانی، ۱ (۱)، ۷۸-۵۷.
- _____ (۱۳۹۱). بررسی مفاهیم وجهی زمان دستوری در زبان فارسی. پژوهش‌های زبانی، ۳ (۱)، ۷۹ - ۵۳.
- فروزنده مسعود و بنی‌طالبی، امین (۱۳۹۳). بازتاب دیدگاه شاعر در نحو منظومه ویس و رامین. متن‌شناسی ادب فارسی، ۶ (۲)، ۲۲-۱.

متولیان، رضوان (۱۳۹۵). بازنمایی نحوی افعال وجهی «بایستن» و «شدن» در زبان فارسی. *دوماهنامه‌ی جستارهای زبانی*، ۷، ۱۲۵-۱۵۰.

مدرسی، فاطمه و مهرآور گیگلو، قاسم (۱۳۹۳). نگاهی به کاربرد وجوه افعال در اشعار سلمان هراتی. *ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۴(۳)، ۱۶۰-۱۴۱.

میرزائی، آزاده (۱۴۰۰). رابطه‌ی قطبیت و وجهیت‌بندی در زبان فارسی. *فصلنامه‌ی مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۹(۱)، ۱۱۳-۱۳۵.

نقی‌زاده، محمود و توانگر، منوچهر و عموزاده، محمد (۱۳۹۰). بررسی مفهوم ذهنیت در افعال وجهی در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۳(۱)، ۲۰-۱.

وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۱). وجه التزامی و زمان‌های فعل. *مجله زبان‌شناسی*، ۱۱(۲)، ۱۰-۲.

منابع لاتین:

Bybee, J. L., Perkins, R. Pagliuca, W. (1994). *The Evolution of Grammar*. Chicago :The University of Chicago Press.

Fowler, Roger. (1986). *Linguistic criticism*. Oxford: Oxford University Press.

Halliday, M.A.K. (1987). *An introduction to functional grammar*. London: Arnold.

Lyons, J. ((۱۹۷۷). *Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.

Palmer, F. R. (1986). *Mood and Modality*. Cambridge: Cambridge University Press.

----- (1990). *Modality and the English Modals*. London: Longman.

Quirk, R. et al. (1985). *A comprehensive Grammar of the English Language*. London: Longman.

Toolan, Michael. (1988). *Language in Literature: An Introduction to Stylistics*. London: Arnold.

Li, J. (1999). Modality and Meaning of Modal Auxiliaries, *In Journal of Foreign Languages*. (4): 19-23.

Examining the verb modal in Forough Farrokhzad's poetry by considering the verb modal

Zary Khodaei¹, Mehri Talkhabi*², Toraj Aghdaei³,

Heidar Hasanlo⁴, Hosein Arian⁵

Abstract

This study is on of Examining the verb modal in Forough Farrokhzad's poetry by considering the verb modal. Based on different theories and from fundamental positions, the verb modal reflects the writer's point of view. So, this tool can be used to examine the inner thoughts and thoughts of the author. This study aims to examine the the verb modalto explain Forough's attitude and point of view and study his mind and soul deeply, to answer this fundamental question, how dose Forough Farrokhzad's thoughts and ideas reflect in the syntax of words and can Forough's thought be received among the the modal of his poetic actions? The importance of this research is in examining and analyzing the the verb modal, it is possible to achieve the style, knowledge and sense of forough. In this article, we study the the verb modalin Forough Farrokhzad's poems collection, called "Another Birth", while analyzing various theories about the the verb modal. By providing samples, we concluded that in most cases, Forough used obligation aspect to express thoughts, nostalgic feelings, escape to childhood, to express regrets, wishes and failures. The research method is descriptive-analytical, and after collecting poetic evidence it has been studied and analyzed.

Keywords: method, the verb modal, Obligatory aspect, Another birth, Forough Farrokhzad.

1. Ph.D. Student in Persian Language and Literature, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
Email: zkhkh2276@gmail.com

2. Assistant Prof., Persian Language and Literature, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
(Author)

Email: mehri.talkhabi@gmail.com

3. Associate Prof., Persian Language and Literature, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
Email: Dr.aghdaie@gmail.com

4. Assistant Prof., Persian Language and Literature, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
Email: nastuh49@yahoo.com

5. Assistant Prof., Persian Language and Literature, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
Email: Arian.amir20@yahoo.com